

نبوت اسرائیلی

( ۱ )

تمدن بشری در خاورمیانه رنگ و جلوه‌ای دیگر داشت. در زمان کهن، فراعنه و کاهنان مصری، پرستش ربّۃ النوعها مشغول بودند، در سرزمین کهن یونان نیز خدایان المپ حکومت مطلقه داشتند. خدایان بابلی و در رأس ایشان مردوخ خدائی میکرد و بعزل در سرزمین کنعان- فنیقی پرستیده میشد. بتهای ساخته شده و یا مظاهر طبیعت پرستشگاههای پر رونقی داشتند. در چنین زمانی ابراهیم صلای یکتا پرستی در داد و پیاپی‌های خدا پرستی را در قوم خود بکار گذارد و یا چنانکه گفته‌اند «او خدا را سلطان زمین نیز اعلام کرد» و سلطه خداوند را بر زمین و آسمان اعلام داشت. \* موسی و پیامبران بعدی نیز يك يك وظیفه‌ای را که تعهد کرده بودند بانجام رساندند. همه این پیامبران سخنگویان و حاملان وحی الهی بودند. همه آنها از وحی و الهام سخن میگفتند. یعنی آنچه بیان میداشتند از نتیجه فعالیت‌های فکری و عقلانی خود نبود. الهام بصورت نیروئی خارج از شخص و برتر از تصور پیش می‌آمد که مقاومتی در برابر آن نتیجه نداشت. برای نمونه اوایل کتاب ارمیاء نبی و یا کتاب حزقیال را می‌بینیم. در سراسر نوشته‌های این پیامبران دیده میشود که اینها مقهور نیروی برتری بودند که چاره‌ای جز پیروی و انجام فرمانها نداشتند. حامل وحی الهی و گوینده سخن خدائی هستند. آنچه او گفت بگو میگویند و هر چه او گفت بکن میکنند. اما پیداست که همه هم یکسان نیستند. فراوانند دروغ‌زنانی که در این راه گزافه میگویند و تهمت میزنند.

\* دانشیار گروه تاریخ ادیان .

\*\* سفر پیدایش ۳:۲۴ تلمود: ۸۶، سیفره دوا ریم بند ۲۱۲، صفحه ۱۲۴ ب .

بهر صورت ، اعتقاد به پیامبری و رسالت ، یعنی مأموریتی از جانبِ خدایِ نادیده داشتن در یهود وجود داشت و کَم و کیفِ این اعتقاد را در اینجا می‌بینیم .

در اینجا تنها از دیدِ یهود و از نظر کتبِ مقدسِ ایشان مانند عهدعتیق و تلمود مسأله‌ها بررسی می‌کنیم و در پایان این بحث داوریِ قرآن را دربارهٔ ایشان می‌یابیم:

### ۱- معنیِ نبی

در عبری پیامبر را بیشتر نبی گویند . این کلمه معادلِ نبیا کلمهٔ نبی Nabii و Nabii در سریانی است<sup>۱</sup> . البرایت این کلمه را وابسته بکلمهٔ نبو Nobū اکدی میداند بمعنی نامیده شدن که در اینصورت نبی میشود کسیکه از طرفِ خدا خوانده شده است . ریشهٔ نبا nābā عبری در اکدی نبو nābū است بمعنی تأیید، اعلام و توبیخ کردن<sup>۳</sup> و در عبری هم معنیِ جذبه‌ای خاصی دارد که ارزش اختصاصی پیامبری را در اعلام کردن و دعوت کردن میداند<sup>۴</sup> . کلمهٔ نبی بیش از سیصدبار در عهد قدیم آمده است<sup>۵</sup> و به

۱- برصوم : ص ۱۷۵ . Shorter Encyclopædia of ISLAM P. 563

۲- W. F. ALBRIGHT : From the stone Age to Christianity. Baltimore 1946, p. 231-232 .

۳- Dictionnaire Encyclopedique de la BIBLE. p. 1499 .

۴- A. JEPSEN, Nabi : Saziologische Studien zur alttestamentlichen Litatur - und Religions geschichte, Munich 1934 .

A. GELIN : Introduction a' la BIBLE : Les livres prophétiques postérieurs Les PROPHÈTES p. 467 .

۵- Hastings : Encyclopædia of Religion and Ethics, p. 757 .

انبیائی اطلاق میشد که مخصوص بنی اسرائیل بودند. عنوان نبی در بنی اسرائیل معانی مختلفی در بر داشت. بیشتر منظور از آن خیر دادن از احکام الهی و امور دینی بود<sup>۶</sup> بطور اعم جادوگران مقدس و منادیان طریقه اسرائیل و مردم دانشمند و صاحب امتیاز را هم شامل میشد اما بطور اخص. این گروه خود را مفسران احکام الهی میدانستند و از سنن و رسوم بومی و باستانی انتقاد میکردند<sup>۷</sup>. چون تخیلی میان معنای نبوت و جادوگری بود گاهی پیامبران بزرگی چون عاموس که از جادوگران رویگردان بودند خود را نبی نمی‌شمردند. عاموس می‌گفت من نه نبی هستم و نه پسر نبی، شبانی بودم که انجیرهای بری را می‌چیدم... و خداوند مرا گفت برو و بر قوم من اسرائیل نبوت نما<sup>۸</sup>.

این کلمه بمعنی سخنگو و بازگوینده سخن نیز بکار رفته است<sup>۹</sup>، هرون نبی خوانده میشد زیرا بواسطه فصاحت و بلاغتش از جانب موسی سخن می‌گفت و برای او بجای زبان بود<sup>۱۰</sup> ولی در عین حال خود نیز نبی بود و نبوت میکرد<sup>۱۱</sup>. در متون قدیمی تر عهد عتیق نبوت بیشتر معنی برانگیختن، الهام گرفتن و انذار دادن میدهد:

« شیر غرش کرده است کیست که ترسد. خداوند یهوه تکلم نموده است کیست که نبوت ننماید»<sup>۱۲</sup>.

ولی در متون بعدی نبوت معنی فرمان دادن و بیشتر از همه معنی پیشگوئی و خبر از آینده میدهد<sup>۱۳</sup> بطوریکه نبوت و پیشگوئی با هم آمیخته شده‌اند.

۶- قاموس کتاب مقدس : ۸۷۳ .

۷- Delaporte : La Proche Orient asiatique p. 262

۸- عاموس ۷ : ۱۴ و ۱۵ .

۹- سفر خروج ۷ : ۱ و ۲ .

۱۰- سفر خروج ۴ : ۱۶ .

۱۱- سفر خروج ۷ : ۱ .

۱۲- عاموس ۳ : ۸ .

۱۳- رن: در مقدمه تورات «پیامبران» . A. GELIN : Les prophètes p. 488 .

پس از بازگشت از مصر و تماس با مردم سرزمین کنعان-فنیقی  
 پیشگوئی میان یهود نیز بکارهای فالگیری و جادوگری گرایش پیدا  
 شد. انبیاء بنی اسرائیل نیز از راه پیشگوئی برای بیداری و  
 هدایت مردم اقدام کردند و بدین ترتیب در متون بعدی، نبوت بگونه‌ای حاکی از  
 معنای پیشگوئی است. پیشگوئی در کار نبوت نقش اساسی را دارد. سبب جلب  
 اعتماد مردم به نبی میشود و نبی نیز از همین عامل برای جلب مردم براه خدانشناسی  
 و ایجاد ترس از ارتکاب گناه و تقویت روحیه مؤمنان بهره میگیرد<sup>۱۴</sup>. بعضی هم  
 پیشگوئی میکردند بخاطر دستمزدی که می گرفتند. پیشگوئیها آمیخته‌ای از وعده  
 و وعید و یا بصورت تفسیر عباراتی بود که بر تقوی و نیکوکاری دلالت میکرد<sup>۱۵</sup> یا  
 از حوادثی پیشگوئی میکردند که در آن زمان صورت وقوع پیدا کرده بود<sup>۱۶</sup>.  
 پیشگوئی و نبوت در اعتقادات تلمودی بمعنی قدرت انسان در ابلاغ و تفسیر  
 میل و اراده الهی است. سبب و عامل اصلی آن نیز روح القدس میباشد<sup>۱۷</sup>.  
 در تورات و تلمود نمونه‌های بسیاری از پیشگوئیهای انبیاء بنی اسرائیل  
 میتوان یافت. بنا به پیشگوئی اشعیاء پانزده سال بر عمر حزقیای پادشاه افزوده  
 میشود و اورشلیم از چنگ پادشاه آشور خواهد رست<sup>۱۸</sup>. ولی روزهایی خواهد  
 آمد که همه بابل برده خواهند شد<sup>۱۹</sup>. ارمیا نیز پیشگوئی میکرد که فشحورکاهن  
 با جمیع سکنه خانه‌اش باسیری خواهد رفت<sup>۲۰</sup> و این قوم هفتاد سال بندگی شاه

۱۴- کتاب دوم تواریخ ایام ۸:۱۵ . ۱۵- مانند اشعیاء : ۱۰-۱۶ .

۱۶- ویلدورانت: تاریخ تمدن ۴۶۹:۱ . ۱۷- ا.کهن: تلمود چاپ پاریس ۱۹۵۸ .

A. COHEN : Le TALMUD, Paris 1958, p. 89 .

۱۸- اشعیاء ۴:۲۸-۲۶ و پادشاهان ۷:۱۹ .

۱۹- کتاب دوم پادشاهان ۱۷:۲۰ و اشعیاء ۶:۲۹ و ۷ .

۲۰- کتاب ارمیا ۲۰:۶ و ۷ .

بابل را خواهند کرد<sup>۲۱</sup> و به حنینای نبی گفت: تو امسال خواهی مرد زیرا که سخنانِ فتنه‌انگیز بضد خداوندگفتی<sup>۲۲</sup>. عاموس شبان و شبان‌زاده‌است که بدرجه نبوت میرسد. او هم اسارتِ مردم و درهم‌شکستنِ پشت بندهای دمشق و ویرانی و دربردی را پیشگوئی میکرد<sup>۲۳</sup>. میگاه نبی نیز از انهدام سامره و اورشلیم و بازگشتِ یهود از اسیری خبرها میداد ولی ببینید چه لحن تند و نافذ و جانسوزی بکار می‌برد:

((ای دختر صهیون مثل زنیکه میزاید درد زه کشیده وضع حمل نما، زیرا که هم‌اکنون از شهرها بیرون رفته در صحرای خواهی نشست و ببابل رفته، در آنجا رهائی خواهی یافت))... ۲۴

اخیای شیلونی در زمان سلیمان، پیغمبری بيباك و امین بود که یربعم را از جدائی اسرائیل از یهود و سلطنت خود او آگاه ساخت<sup>۲۵</sup> و بعد هم مرگ فرزندش و برافتادن خاندانش را خبر داد<sup>۲۶</sup>.

دلیل انجام بعضی از کارها پیش‌بینی حوادث آینده‌است. اسحاق اگر برای دومین بار یعقوب فرزند خود را برکت می‌دهد. از آنجا بود که بیاری روح القدس پیش‌بینی میکرد که در آینده فرزندان یعقوب در بدر و سرگردان خواهند بود<sup>۲۷</sup>. موسی نیز به نیروی روح القدس پیش‌بینی کرده بود که فرزندان اسرائیل در آینده در معرض ظلم و جور بت‌پرستها قرار خواهند گرفت<sup>۲۸</sup>.

این پیش‌بینی‌ها و پیشگوئیاها اگر تنها بیاری روح القدس هم باشد انحصار به پیامبران ندارد. حزقیل پادشاه یهودا نیز بیاری روح القدس در طالع خود دید که فرزندان او ناشایسته از او بوجود می‌آیند<sup>۲۹</sup>.

۲۲- ارمیا ۲۸: ۱۶ .

۲۱- ارمیا ۲۵: ۱۱ .

۲۴- میگاه ۴: ۱۰ .

۲۳- عاموس ۱: ۷ و ۹: ۱۷ .

۲۶- اول پادشاهان ۱۴: ۱- ۱۴ .

۲۵- اول پادشاهان ۱۱: ۲۹- ۳۹ .

۲۸- تلمود: یروشلمی هورایوت: ۴ جیم .

۲۷- تلمود: برشیت ربا ۷۵: ۸ .

۲۹- تلمود: براخوت: ۱۰ الف اشاره بمنشه فرزند حزقیل که او را بسیار شریر دانسته‌اند.

پیشگوئی هر چه با حرارت تر و با ایمان تر نقل شود نافذتر و قابل قبول تر خواهد بود. میکه تند و پر خاشگراست. برای آغاز جنگ مورد مشورت پادشاهان قرار میگیرد. چهارصد نبی را که «بعضور ایشان نبوت میکردند» دروغزن و اغواگر خوانده و پیشگوئی شکست پادشاه اسرائیل را مینماید و چنین هم شد<sup>۳۰</sup>. و نمونه‌های بسیاری دیگر<sup>۳۱</sup>.

در میان تمام اینها پیشگوئیهای دانیال نبی و کتاب خونخ اول که شباهت فراوانی به «بهمن‌یشت» دارند شهرت بسیاری بدست آورده است. کتاب دانیال بصورت فعلی در ۱۶ ق. م. تدوین و انتشار یافت. باب هفتم اضمحلال چهارمین پادشاهی انسانی (یعنی سلطنت مقدونیان بدنبال آشور و ماد و پارس) را پیشگوئی میکند. باب نهم نابودی هلنی‌گرا را پیشگوئی میکند. ابواب دهم تا دوازدهم پیشگوئی طولانی تاریخی را درباره پایان کار سلوکیان دربر دارد و در آن اسکندر اصل و آغاز شر دانسته شده است. در تمام این پیشگوئیها وفاداری و تبعیت از شریعت موجب اجر و پاداش الاهی است. جبر الاهی نویسندگان سفر تثبیه و سنت انبیای قدیم تسلسل و ادامه می‌یابد. تداوم و طول اندیشه گفتار آیه ۱۴ باب ۱۱ دانیال درباره برخاستن اورشلیم در ۲۰۰ ق. م. نشان میدهد که اینگونه پیشگوئیهای دینی تا چه اندازه دارای اهمیت و نتیجه بخش بوده است. شبیه این مکاشفات را در «مکاشفه هفته‌ها» در کتاب مجهول المؤلف اول خونخ نیز می‌یابیم.

کتاب اشعیا نیز جنگی (مجموعه‌ای) از پیشگوئیهاست. مثلاً يك قسمت از این کتاب (فصول ۲۴ تا ۲۷) را که گفته‌اند متعلق بدوره بطلمیوسیان است شامل ده پیشگوئی مکاشفتی است بعضی به‌نثر و برخی به شعر. نمونه‌های شعری فصل ۲۴ آیات ۱ تا ۲۳ است. مردم عهد خدا را شکسته‌اند، یهوه ساکنان آنرا پراکنده

۳۰- اول پادشاهان باب ۲۲.

۳۱- از جمله پیشگوئی العازر (۲ تواریخ ایام ۲۷:۲۰) و نبوت حجی وزکریا (عزرا ۱:۵) و

نحمیا ۶: ۱۲ و اول پادشاهان ۱۳: ۲-۲۲.

می‌سازد و تمام پادشاهان زمین را گوشمالی خواهد داد و سرانجام خود بعنوان پادشاه راستین یهودیه با جلال سلطنت خواهد کرد. ۵ آیه اول فصل ۲۵ سرود مسرت‌انگیز مسکینان و ستایش یهوه است بخاطر ویرانی شهر غریبان و پیروزی ایمنی یافته فقیران. ۱۲ آیه اول فصل ۲۶ نیز سرود مؤمنان را برای روز داوری و پیش‌بینی رستگاری و نجات را دربر دارد. در فصل ۲۷ نیز مرثیه‌ای است بر ویرانی یهودیه و پیشگویی خصومت‌آمیزی که در آینده سراسر جهان از ذریه یعقوب خواهد بود. البته در این پیشگوییها تشخیص هویت اشخاص، اماکن و رویدادها بدرستی ممکن نیست. در سایر فصول نیز اقوام بیگانه پایمال میشوند، یهودیان به فلسطین باز میگردند و قوای شیطانی مقهور میگردند.

کتاب زکریای نبی نیز مطالب زیادی شبیه آنچه گذشت دربر دارد. در این مجموعه شش پیشگویی متمایز از هم وجود دارد و از آنجا که طولانی‌تر از پیشگوییهای اشعیاست ممکن است صورت تکامل یافته‌تر و متأخرتر همان سبک پر رمز و استعاره ادبی باشد.

عامل اصلی پیشگویی و واسطه وحی انبیاء روح القدس است.

روح القدس روح القدس Ruah Haghodesh دلالت بر نفوذ مطلق خدا در

سراسر عالم دارد و از هر چه در جهان هستی میگذرد

متأثر است. گاهی چنین بنظر میرسد که بانور جلال الهی (شخینا) یکی است. انسان

با کارنیک خود میتواند از روح القدس مدد بگیرد. مردان زمان گذشته با روح القدس

ارتباط داشتند و بمدد روح القدس بود که پیامبران پیشگویی میکردند<sup>۱۷</sup> رفتار

شایسته فرزندان شموئیل موجب گردید که روح القدس در ایشان حلول کند<sup>۳۲</sup>

و رفتار ناپسند عیسو سبب شد که روح القدس از پدر او دور شود<sup>۳۳</sup>. پارسائی و

۳۲- بمیدبار ربا ۱۰: ۵۰.

۳۳- تلمود: برشیت ربا ۶۵: ۲.



دینداری شخص را دارای روح القدس میکند.<sup>۳۴</sup> «ربی مؤیر» مصباح مشهور که در کنیسه وعظ میکرد بیاری روح القدس از امور آگاه میشد.<sup>۳۵</sup> سلیمان بیاری روح القدس پیش بینی کرد که کارگران مزدور مصری همان سال خواهند مرد<sup>۳۶</sup> و حزقیای بیاری روح القدس بود که فهمید فرزندان ناشایسته خواهد داشت<sup>۳۷</sup> و روح القدسی که بر پیغمبران حلول میکند دارای اندازه های متفاوتی است<sup>۳۸</sup> و سرانجام پس از اینکه در دادگاههای سام و سموئیل نبی و سلیمان ظاهر شده بود<sup>۳۹</sup> با آخرین پیامبران، اسرائیل را ترک کرد.<sup>۴۰</sup>

پیامبر جز نبی در عبری اصطلاحات دیگری هم داشته است. **رئی** از جمله «رئی» است بمعنی نگرنده و بیننده و ناظر و انداز دهنده بوحی از خدا<sup>۴۱</sup>. برای پیامبران بنی اسرائیل این کلمه را نیز بکار میبردند<sup>۴۲</sup>. رئی ترجمه دو کلمه عبری است و بمعنی اشخاصی میباشد که بطور خارق عادت برای دیدن و علم بر اشیائی که فقط خداوند بر آنها عالم است از جانب خدا منور میگردند<sup>۴۳</sup>. ولی تفسیر آیه ۹ باب ۹ کتاب اول سموئیل که «نبی امروز را در سابق رئی میگفتند» یک مسأله اساسی را مطرح میکند که بجای اصطلاح نبی در سابق اصطلاح رئی (بیننده) بکار میرفته است<sup>۴۴</sup> و البته میتواند از نظر روشن شدن سابقه تاریخی کمکی باشد. در اشیاء این دو

۳۴- تلمود: میشنا، سوطا ۱۵:۹ .

۳۵- تلمود: یروشلمی سوطا ۲ دال . ۳۶- تلمود: پسیقتا ۳۴ الف .

۳۷- تلمود: ۱۷۴ . A. COHEN : LE TALMUD, p. 174

۳۸- تلمود: مکتوت : ۲۳ ب . ۳۹- تلمود: سنهدرین: ۱۱ الف .

۴۰- برصوم ص ۱۷۵، تاریخ العرب فی الاسلام دکتر جوادعلی : ص

۴۱- اول سموئیل ۱۱:۹، ۱۸، ۱۹، ۲ و تواریخ ایام ۲۹: ۳۰ و ۳۳: ۱۸ .

۴۲- قاموس کتاب مقدس کلمه رئی ص ۴۰۵.

۴۳- H. JUNKER : Prophet und seher in Israel, Bonn 1927

نام از هم جدا ذکر میشود: «به‌رأئیان میگویند رؤیت نکنید و به‌انبیاء که برای ما براستی نبوت ننمائید»<sup>۴۴</sup> جای دیگری هم که اشعیاء این دونام را از هم جدا ذکر کرده از رأئیان بر رؤساء تعبیر مینماید<sup>۴۵</sup> گرچه جای دیگر بافالگیران ذکر میشوند<sup>۴۶</sup>؛ اما جالب توجه است که جادِ نبی دوست و مورخِ داود بعنوان رأئِ داود ذکر میشود<sup>۴۷</sup>. در کتابهای دیگر هر دو کلمه بیک معنی بکار رفته است<sup>۴۸</sup>.

در خور ذکر است که بگوئیم شبیه این کلمه در عرب جاهلی رأی را داریم که الهام‌دهنده کاهن و راهنمای طیب است. رأی جنی است که انسان اورامی بیند<sup>۴۹</sup> و چه بسا که باقیمانده اعتقادات اساسی این ناحیه در هر گوشه‌ای تحول خاصی یافته باشد.

شخصی است که نذری دارد و برای این کار شرایطی است<sup>۵۰</sup>  
**نذیره** از جمله آنکه انگور نخورد و شراب نیاشامد و موی خود را  
 نچیند تا در ختم نذر کاهن موی وی را بچیند. بعضی هم  
 فرزندان خود را برای تمام عمر «نذیره» قرار میدادند<sup>۵۱</sup>. ولی پاره‌ای شرایط را  
 رعایت نمیکردند. چنانکه یهوه فرمود: «... بعضی از پسران شمارا انبیاء و بعضی  
 از جوانان شمارا نذیره قرار دادم... اما شما نذیره‌ها را شراب نوشانید و انبیاء  
 را نهی کردید و گفتید که نبوت مکنید»<sup>۵۲</sup> می‌بینیم که انبیاء و نذیره‌ها هر دو یکجا  
 و در یک ردیف ذکر می‌شوند.

۴۴- اشعیاء ۳۰: ۱۰

۴۶- میکاه ۷: ۳

۴۷- ۲ سموئیل ۲۴: ۱۱

۴۸- اول تواریخ ایام ۲۹: ۲۹ عاموس ۷: ۱۲ میکاه ۳: ۷ و ۶

۴۹- تاج‌العروس ۱۰: ۱۴۰

۵۰- سفر اعداد ۶: ۲-۲۱

۵۱- مثل شمشون سفر داوران ۱۳: ۵ و سموئیل اول سموئیل ۱: ۱۱

۵۲- عاموس ۲: ۱۱ و ۱۲

اصطلاح بیننده خواب ویا Kôlem نیز در مورد نبی ویا  
 بیننده خواب معادل آن بکار رفته است<sup>۵۳</sup> زیرا یکی از طرق درک وحی و  
 الهام، رؤیا بود. یهوه صباوت بر پاره‌ای از انبیاء در رؤیا  
 و رؤیا ظاهر شده و در خواب با ایشان سخن میگفت<sup>۵۴</sup>. خداوند در  
 رؤیا بر ابیملك ظاهر شد که ساره را بابراهیم رد کند<sup>۵۵</sup> و در رؤیای شب بود که  
 به یعقوب خطاب کرد<sup>۵۶</sup>. سموئیل در روزگاری که کلام خداوند نادر بود و رؤیا  
 مکشوف نمیشد<sup>۵۷</sup> شبی برای نخستین بار خداوند با او سخن گفت<sup>۵۸</sup>. حزقیال و  
 عاموس نیز در رؤیا نبوت خود را یافتند<sup>۵۹</sup>. یکی از تهدیداتی که بر فریبکاران و  
 انبیاء گمراه کننده بکار میرود اینست که رؤیا نبینند<sup>۶۰</sup> زیرا متقدمین رؤیا را اعلانی  
 از اعلانات الهی میدانستند و تفسیر و تعبیر آن طریقه‌ها داشت<sup>۶۱</sup>. در این رؤیاها  
 پیامبران حوادث آینده را مشاهده میکردند. گاهی این مشاهده روشن و صریح  
 است و زمانی بدون تمیز زمان است چنانکه زمان حادثه روشن نیست<sup>۶۲</sup>. وقتی هم  
 جلال یهوه در رؤیائی آتشین نمودار میشود، رویاروی سخن میگوید و بادیستی  
 طوماری مکتوب ارائه میکند و آنرا (همچون عسل شیرین) به پیامبر میخوراند<sup>۶۳</sup>.  
 رؤیا را يك شصتم نبوت دانسته‌اند<sup>۶۴</sup>.

۵۳- سفر تشبیه ۱:۱۳ و ۳.

۵۴- سفر اعداد ۱۲: ۶ و ۲۴: ۴؛ و یوئیل ۲۸:۲ و دانیال ۱۹:۲، ۲۰: ۸ و ۱- ۲۷.

۵۵- پیدایش ۲۰: ۶. ۵۶- پیدایش ۲: ۴۶.

۵۷- اول سموئیل ۱: ۳. ۵۸- اول سموئیل ۱: ۳ ببعد.

۵۹- حزقیال باب ۱- ۳؛ عاموس ۱: ۱ و ۸: ۱؛ و ۹: ۱. ۶۰- میکاه ۳: ۶.

۶۱- از جمله خواب فرعون مصر و تعبیر یوسف (پیدایش ۱: ۴۱ ببعد) و خوابی که برای جدمون  
 دیدند و تعبیرش (سفر داوودان ۱۳: ۷) و خواب نبوکدنصر (دانیال باب ۲) و ...

۶۲- اشعیا: باب ۱۰ و ۱۱ زکریا: باب ۹ و یوئیل ۲: ۲۸- ۲۲.

۶۳- کتاب حزقیال ۱: ۱ تا ۱۵: ۳. ۶۴- تلمود: ۲۹۱ براخوت ۵۷ ب.

جالب توجه است که گفته‌اند تاکنون معادل دقیق کلمه‌نبی سابقه تاریخی درنصوص سامی یافت نشده است.<sup>۶۵</sup> ولی بهر صورت بنظر میرسد که بین‌النهرین و وطن اصلی این کلمه باشد. چنانکه در آرشیو حمورابی یکنوع بیننده nabbu بزمان پادشاهی زیمری‌لیم Zimri Lim بصورت هاتف غیبی خدای هَدَد Hadad دیده میشود<sup>۶۵</sup> و کتیبه‌های راس الشمرام در سرزمین فنیقی-کنعانی آنرا تأیید میکنند. چنین بنظر میرسد که نبوت جایگزین مقام مقدسی است که در لوح زکُر Zakir پادشاه Hama (قرن هشتم پیش از میلاد) بود. چنانکه ون عامون Wen-Amon در قرن ۹ پیش از میلاد در بابل پادشاهی بود که جنبه پیامبری هم داشت. همچنین مقابر پادشاهان و آثار دیگر نشان میدهد که این امر در خاور نزدیک خالی از سابقه نبوده است.

اگر این فرضیه را بپذیریم بناچار نبوت اسرائیلی ادامه‌دهنده جریانی میشود که از پیش در بابل و کنعان وجود داشته است. چنانکه سموئیل گفت: «در سابق نبی‌را رانی میخواندند» و یا «از مصر که بیرون آمدند خداوند انبیا را بر ایشان گماشت»<sup>۶۶</sup>. ایلیا یک‌تنه در برابر چهارصد و پنجاه نفر انبیای بعل و چهارصد نفر انبیای اشیریم نبوت میکند<sup>۶۷</sup> و عده‌ای را برای نبوت تربیت مینماید.

بدین ترتیب انبیای بنی‌اسرائیلی قهرمانانِ ضدکنعانی بودند<sup>۶۸</sup> که بانبروئی پرتوان تبلیغ میکردند و حقیقت مذهب، ارزشی واقعی بتظاهرشان میداد<sup>۶۵</sup>.

البته درسفر پیدایش از ابراهیم بعنوان نبی یاد میشود. ابیمک را بدعای او امیدوار و از زیان باو برحذر میدارد<sup>۶۹</sup> ولی بسیاری از نویسندگان فکر میکنند که پدیده پیامبری در اسرائیل خیلی کهن نیست و ظهور دسته‌جمعی انبیای

۶۵- A. GELIN : Les Prophètes p. 469 .

۶۶- عاموس ۱:۱۰، ۱۱ و ارمیا ۷: ۲۵ . ۶۷- اول پادشاهان ۱۸: ۱۹، ۲۰ .

۶۸- مانند نذیر عاموس ۱۱:۲ و رکابیان ارمیا: باب ۳۵ .

۶۹- پیدایش ۲۰: ۷ مقابل مزامیر ۱۰۵:۱۰۵ .

بنی اسرائیلی بدین کیفیت که امروز در تورات می‌یابیم تحت نفوذ کنعانی است. زیرا پس از بازگشت از مصر است که خود را مواجه با پرستش بعل و انبیای بعل می‌بینند<sup>۷۰</sup> و یا انبیای سامره برای بعل نبوت می‌کردند<sup>۷۱</sup>.

## ۲- وحی و الهام

واسطه خلق و خدا و پیغام‌آور از یهوه برای مردم نبی است. روح خداوند بسیار شده که در عهد عتیق از نزول الهام و وحی الهی به «نزول روح خداوند» تعبیر شده است<sup>۷۲</sup>. در این حال روح خداوند بر جان نبی می‌نشیند و او از قوت روح خدا پر میشود و وحی الهی را ابلاغ میکند<sup>۷۳</sup>. شریعت و کلام الهی را یهوه صبایت با روح خود بواسطه انبیاء می‌فرستد<sup>۷۴</sup>. در سیطره روح خداوند همه تسلیم و مطاعند و چون روح خداوند بر انسان مستولی شد، از آن متأثر میگردد. مرد دیگری میشود و نبوت میکند. قاصدان شائول که بجماعت انبیاء رسیدند روح خدا بر ایشان مستولی شد و ایشان هم نبوت کردند. گروه دوم و سوم قاصدان هم رسیدند و در سیطره روح خداوند به نبوت استادند. خود شائول نیز بحضور سموئیل رسید. تغییر یافت و او هم نبوت کرد<sup>۷۵</sup>. یا هنگامیکه قوم بنی اسرائیل در صحرای سینا سرگردان بودند و طلب گوشت میکردند موسی هفتاد نفر از مشایخ را در اطراف خیمه جمع کرد و خداوند در برابر موسی نازل شد و با وی تکلم کرد و از روحی که بر وی بود گرفته و بر آن هفتاد مشایخ نهاد و ایشان نبوت کردند. حتی دو نفری از مشایخ که در لشکرگاه باقی مانده بودند نبوت کردند و موسی بکسی که بخاطر او حسادت

۷۰- اول پادشاهان ۱۸: ۲۲ .

۷۱- ارمیا ۲۳: ۱۳ .

۷۲- دوم تواریخ ایام ۱۵: ۱ و ۲۴: ۲۰ و نحیا ۹: ۳۰ .

۷۳- حزقیال ۱۱: ۵ یوئیل ۲۸: ۲ میکاه ۸: ۳ زکریا ۱۲: ۷ .

۷۴- اول سموئیل ۱۰: ۵-۱۱ و ۱۹: ۲۰-۲۴ .

۷۵- زکریا ۶: ۱ و ۷: ۱۲ .

میورزید گفت کاش تمامی قوم خداوند نبی بودند و خداوند روح خود را برایشان افاضه میفرمود<sup>۷۶</sup>، گاهی هم شده است که روح خداوند یکی را ترك کرده و بسوی دیگری رفته است<sup>۷۷</sup>.

نفسه قادر مطلق روح انسان را فطانت میبخشد<sup>۷۸</sup> عمقهای کلام الهی دریا و اساس ربع مسکون از نفسه وی منکشف میگردد<sup>۷۹</sup> کلمه وحی بارها در عهد عتیق آمده است<sup>۸۰</sup> گاهی مستقیم و بدون واسطه نبی دعوت به نبوت میشود<sup>۸۱</sup> بدون اینکه فرشته ای در میان باشد کلام الهی شنیده میشود. حتی ممکن است وحی بر طفلی نازل شود تا آماده نبوت گردد<sup>۸۲</sup> و بالاتر از آن گاه نبوت پیش از تولد است و قبل از اینکه در شکم صورت بندد و پیش از بیرون آمدن از رحم تقدیس میشود<sup>۸۳</sup>. روح خداوند بوسیله نبی متکلم شده و کلام او بر زبان نبی جاری میگردد<sup>۸۴</sup>. در این حال نبی چیزی جز يك دهان باز گوینده کلام الهی نیست<sup>۸۵</sup>. کلام خداوند نازل میگردد و خداوند بر کلام خود دیده بانی میکند تا آنرا بانجام برساند و این کلام بر زبان نبی جاری میگردد<sup>۸۶</sup>. گاهی خداوند بانی خود در خواب سخن میگوید<sup>۸۷</sup> و گاه این کلام شامل اصول اعتقادی و مبانی زندگی است<sup>۸۸</sup>. درباره نحوه دعوت ارمیا چنین میگوید: «خداوند دست خود را دراز کرده و دهان مرا لمس کرد. خداوند بمن گفت اینک کلام خود را در دهان تو نهادم»<sup>۸۹</sup>.

- ۷۶- سفر اعداد ۱۱: ۲۵-۲۹ .  
 ۷۷- اول پادشاهان ۲۲: ۲۴ .  
 ۷۸- ایوب ۳۲: ۸ .  
 ۷۹- ۲ سموئیل ۲۲: ۱۶ .  
 ۸۰- از جمله سفر اعداد ۳: ۲۴ و دوم سموئیل ۲۳: ۱ .  
 ۸۱- اول سموئیل ۱۰: ۳-۲۱ .  
 ۸۲- ارمیا ۱: ۴-۱۰ .  
 ۸۳- ارمیا ۱: ۵ .  
 ۸۴- ۲ سموئیل ۳۳: ۲ .  
 ۸۵- خروج ۱۶: ۴ و ۱۷: ۱ و تثنیه ۱۸: ۱۸ و سفر اعداد ۱۱: ۲۴ و ۱۲: ۶ .  
 ۸۶- ارمیا ۱: ۴، ۱۱، ۱۲ و ۲ سموئیل ۲: ۲۳ .  
 ۸۷- سفر اعداد ۶: ۱۲ و عاموس ۱: ۸-۳ .  
 ۸۸- سفر خروج باب ۳ و ۲۰ .  
 ۸۹- ارمیا ۱: ۹ .

بدین ترتیب انبیاء گویندگان سخنان الهی هستند و وحی الهی از دهان ایشان شنیده می‌شود. در عهد عتیق این تعبیر زیاد دیده می‌شود: «تا از دهن خداوند اطلاع یابند»<sup>۹۰</sup> و منظور آگاهی از حکم الهی و وحی یهوه است. چون خاندان یهودا خیانت ورزیده و خداوند را انکار نمودند یهوه خدای صباوت فرمود: کلام خود را در دهان تو آتش و این قوم را هیزم خواهم ساخت و ایشانرا خواهد سوزانید.<sup>۹۱</sup>

البته این وحی باید نوشته‌شود تا برای نسلهای بعد باقی بماند. اینست که دستور داده می‌شود در الواح و یا طومارهایی برای بازماندگان بنویسند.<sup>۹۲</sup> و اگر هم پادشاه طومار سخنانی را که باروک کاتب از دهان ارمیا نوشته بود سوزانید کلام خدا مجدداً بر ارمیا نازل شده گفت طوماری دیگر برای خود بازگیر و همه سخنان اولین را... بر آن بنویس.<sup>۹۳</sup> اینست که تمامی قوم از عزرای کاتب خواستند که تورات موسی را بیاورد و بر مردم بخواند. او بر منبر چوبی رفت و مردم از روشنائی صبح تا نصف روز بکتاب تورات گوش دادند.<sup>۹۴</sup>

وحی الهی گاهی با صدائی رسا شنیده می‌شود و زمانی توسط

### فرشتگان

فرشته پیغام آور ابلاغ می‌گردد.<sup>۹۵</sup> بهنگام وحی فرشته خداوند از میان بوتۀ آتش بر موسی تجلی می‌کند و خداوند با موسی سخن می‌گوید<sup>۹۶</sup> و بر حسب عقاید قدمای یهود، ملائکه جزرسل و فرشتگان الهی بیش نبودند. اما پس از غلبۀ یونانیان و عصر مکابیان است که فرشتگان ترتیب و نظم می‌یابند و برای هر یک در جتی و مرتبتی معین می‌شود و هفت ملک مقرب در رأس خیل فرشتگان قرار می‌گیرند. تصویر یک دربار سلطنتی که خداوند پادشاه

۹۱- ارمیا ۱۴:۵

۹۰- سفر لاویان ۲۴: ۱۲

۹۲- سفر خروج ۱۷: ۱۴ و ۲۷: ۳۴ و ۲۷: ۳۱ و اشعیا ۱: ۸ و ۳۰: ۸

۹۳- نحیما: ۸-۱۰

۹۲- ارمیا ۳۶: ۲۷، ۲۸

۹۶- سفر خروج ۲: ۱ تا ۴: ۱۷

۹۵- سفر اعداد ۸۹: ۷ اول سموئیل ۴: ۲

آنست و جمع کثیری از فرشتگان او را احاطه کرده‌اند در کتاب مقدس یافته می‌شود.<sup>۹۷</sup> باید دانست که انگیزه اصلی علمای یهود در این اعتقادات بیشتر تجلیل از خداوند بوده‌است تا وسیله و واسطه قراردادن فرشتگان.<sup>۹۸</sup> خود یهود معتقد است که اسامی فرشتگان از بابل بدست آنها رسیده‌است.<sup>۹۹</sup> ولی مورخان می‌گویند که در این اعتقاد مانند موارد دیگری چون شیطان و مسالّه رجعت و ظهور مسیح و روز رستاخیز را یهودان از زرتشتیان پیروی کرده‌اند.<sup>۱۰۰</sup> جلب نظر میکند که نام فرشته را در تورات گاهی رسول<sup>۱۰۱</sup> و زمانی کاهن<sup>۱۰۲</sup> ترجمه کرده‌اند!

در میان فرشتگان بزرگترین پیام‌آور خداوند جبرئیل است. او دومین چهار فرشته بزرگ است<sup>۱۰۳</sup> و غالباً همراه میکائیل بنام بزرگترین فرشتگان یاد می‌شود.<sup>۱۰۴</sup> با دو فرشته دیگر بدیدن ابراهیم رفت<sup>۱۰۵</sup> و میخواست او را از آتش نجات دهد<sup>۱۰۶</sup> و تعبیر رؤیای او بدانیال نبی آموخت<sup>۱۰۷</sup>.

ندای آسمانی در عبری بت قول Bathkol بمعنی دختر ندای آسمانی صداست. پس از فوت آخرین پیامبران یهود، روح القدس از ملت اسرائیل دور شد. ولی از آن پس گاهی ندای آسمانی فرمانهای خداوند را ب مردم ابلاغ میکرد<sup>۱۰۸</sup>. چنانکه یوحان کاهن<sup>۱۰۹</sup> ندای آسمانی

۹۷- اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ - اشعیا ۶: ۶، باب ۶، ایوب ۱: ۶.

۹۸- راجع بوظائفشان مراجعه کنید به قاموس کتاب مقدس ص ۶۴۸. تلمود: ۹۲.

۹۹- تلمود: یروشلمی روش هسانا: ۲۲ دال.

۱۰۰- جان ناس: تاریخ جامع ادیان ترجمه علی اصغر حکمت ص ۳۶۱.

۱۰۱- ایوب ۱: ۱۴ و اول سموئیل ۱۱: ۳.

۱۰۲- غزل غزلهای سلیمان ۵: ۶ و ملاکی نبی ۲: ۷. ۱۰۳- تلمود: بمیدبار ربا ۲: ۹۰.

۱۰۴- باهم ساقدوشهای ازدواج آدم و حوا بودند (برشیت ربا ۱۵: ۸) و شاهد دفن موسی

(دواریم ربا ۱۱: ۶) . ۱۰۵- تلمود: باوامصیعا ۸۶ ب.

۱۰۶- تلمود: پساحیم ۱۱۸ الف . ۱۰۷- دانیال ۱۶: ۸ و ۹: ۲۱.

۱۰۸- تلمود: توسیفتاسوفا ۱۳: ۲.

۱۰۹- یوحانان هورقانونس پادشاه سرزمین یهودا ۱۰۵-۱۳۵ پیش از میلاد Jean Hyrcan



را از درون قدس‌الاقداس شنید که جوانانی که برای جنگِ بادشمنان بانطاکیه رفته‌اند پیروز شده‌اند<sup>۱۱۰</sup>. این «دختر صدا» گاهی بشکل زمزمهٔ کبوتران وزمانی بصورت ندا و وقتی هم بگونهٔ تصرف در کائنات رخ مینمود<sup>۱۱۱</sup>.

نور جلال الهی‌را که شخینا Chekhina میگویند<sup>۱۱۲</sup> در

نور جلال الهی لغت بمعنی مسکن وغالباً بروشنائی و نور جلال پروردگار

تعبیر و تفسیر میشود. شخینا درهمه جا حاکی از تجلی

خداوند بر صحنهٔ گیتی و نمودار حقیقت نفوذ مطلق خداوند بر سراسر جهانست.

در هر جا و هر زمانی میتواند باشد ولی در خیمهٔ اجتماع بود که بروشنترین وجهی

جلوه گر شد<sup>۱۱۳</sup> هر کسی میتواند در پرتو انوار جلال الهی قرار بگیرد. ارتکاب

گناه شخینا را از انسان دور میکند و پاکی و نیکی موجب فرود آمدن نور جلال

الهی در میان انسانهاست. انسان حتی نباید غرور آمیز راه برود زیرا سراسر زمین

از انوار جلال الهی آکنده است. ظهور پیامبران موجب میگردد که شخینا به روی

زمین فرود آمده و گسترده شود. گناه آدم و قابیل و مردم زمان نوح و لوط سبب

شد که شخینا با آسمان هفتم صعود نماید ولی وجود پیامبرانی چون ابراهیم و

اسحق و موسی و دیگران موجب گردیدند که نور جلال الهی بر روی زمین نزول

اجلال نماید<sup>۱۱۴</sup> موسی از خداوند خواست که شخینا بر ملت اسرائیل قرار گیرد

و بر سایر ملل بت پرست عالم قرار نگیرد تا ملت یهود ممتاز باشد<sup>۱۱۵</sup> بدین ترتیب

انبیاء مهبط انوار جلال الهی قرار میگیرند ولی نزول این انوار انحصار بایشان

نداشته و فرشتگان و انسان همه از آن بهره میگیرند<sup>۱۱۶</sup>.

۱۱۰- تلمود: سوطا، ۲۳ الف - یوسفوس فلاویوس: قدمت یهودیان قسمت ۱۳ فصل ۱۰ بند ۳.

۱۱۱- کهن: تلمود ص ۹۰.

۱۱۲- در سفر اعداد ۶: ۲۵ و کتاب حزقیال ۴۳: ۲ نیز اشاره بهمین شخیناست.

۱۱۳- تلمود: ۵۲ بمیدباروبا - ۱۲: ۴.

۱۱۴- تلمود: ۸۶ بر شیت ربا ۱۹: ۱۳.

۱۱۵- سفر خروج ۲۳: ۱۶، تلمود: ۱۰۹، براخوت: ۱۷ الف.

۱۱۶- هر جا که میکائیل فرشته حاضر باشد شخینا نیز در آنجا حاضر است (تلمود: ۹۵ شموت

### ۳- حدود نبوت

برای یکنفر معتقد بتورات و تلمود، حقیقتِ نبوت امری  
انتخاب نبی بدیهی است. خداوند اراده و خواستِ خود را بوسیله  
سخن‌گویانی که پیامبر خوانده شده‌اند بانسانها ابلاغ‌مینماید.  
چنانکه بموسی فرمود: «نبی را برای ایشان از میان برادرانِ ایشان مثل تو  
مبعوث خواهم کرد»<sup>۱۱۷</sup> یکچنین انتخابی هیچگونه قید و شرطی ندارد و تنها  
مشیت و خواستِ الهی سبب و انگیزه آن بوده‌است و بس، گاهی این انبیا چون  
ایلیا مستقیماً از طرفِ خداوند انتخاب شده و طرف خطاب قرار میگیرند و یا چون  
ارمیا حتی پیش از انعقادِ نطفه تقدیس میگردند و زمانی از طرف نبی دیگری (چون  
الیشع از طرف ایلیا) به نبوت مسح میشوند<sup>۱۱۸</sup>. بعضی از پیامبران هم چون عاموس  
که شبانزاده بود و رمه‌بانی میکرد خود را نبی‌نمیدانست. رمه‌بانی بود که خداوند  
بر نبوت گماشته بود<sup>۱۱۹</sup>.

ربا ۸:۲) فرشتگان از فروغِ شخینا نیروی حیات میگیرند (تلمود: ۹۴: شموت ربا ۴:۲۲) اسرائیل  
ملت برگزیده و محبوب خدا بهر جا که به غربت و اسیری میرفت شخینا همراه آنان بود (تلمود ۱:۰۵:  
مکیلا: ۲۹ الف) جان انسان نیکوکار مرحله به مرحله پیش میرود تا شخینا را زیارت نماید (تلمود: ۱۲۱  
میدراش تهیلیم ۵۱ ب ۵۲ الف) زیرا راستان روی او را خواهند دید (مزامیر داود ۷:۱۱) کسیکه دعا  
و نماز میخواند باید نزد خود چنین مجسم کند که شخینا مقابل اوست. چنانکه گفته شده است: «خداوند  
را همیشه پیش روی خود میدارم (مزامیر ۸:۱۶: تلمود: ۱۳۰: سنهدرین ۲۲ الف) چهار طبقه از مردم  
از فیض حضور شخینا محرومند: مسخره کنندگان، چاپلوسان، دروغگویان و بدگویان مردم (تلمود: ۱۴۸  
سوطا: ۴۲ الف) درستکاران عادلان نیکوکاران موجب جلب شخینا میشوند.

۱۱۷- سفر تثنیه ۱۸:۱۸ . ۱۱۸- ۱ پادشاهان ۱۹: ۱۶ .

۱۱۹- عاموس ۷: ۱۴ و میکاه ۳: ۸ .

در دوران بعد فیلسوفان یهودی چون موسی بن میمون (متوفی ۱۲۰۰ م) باین نظریه گرایش می‌یابند که نبوت هدیه‌ای نیست که از طرف خداوند بهرکسی عطا شود. بلکه حداعلای آمادگی و تجهیز عقلانی و فکری استثنائی است که انسانی میتواند بآن نایل گردد.<sup>۱۲۰</sup> ریشه این اعتقاد در تلمود نیز انعکاس می‌یابد: انتخاب نبی مراحل پیدامیکند بدین ترتیب: زیرکی و چابکی برای انسان پاکی، و پاکی پرهیزگاری می‌آورد. سپس قدوسیت و فروتنی و پارسائی و دینداری بترتیب، انسانرا دارای روح القدس میکنند.<sup>۱۲۱</sup> بدین ترتیب تربیت نفس و آمادگی شخص حصول و وصول نبوت را میسر می‌سازد. البته شرایط دیگری هم هست: ذات قدوس مبارک نور جلال الهی (شخینا) خودرا فرود نمی‌آورد مگر بر شخص دلیر و عاقل و ثروتمند و دانا و فروتن و بلنداندام.<sup>۱۲۲</sup> موسی بن میمون ثروت را تفسیر میکند که ثروتمند کسی است که به قسمت خود راضی باشد و دلیر بشخصی میگویند که بر نفس امّاره مسلط باشد.<sup>۱۲۳/۱</sup> خوش اندامی و بلندقامتی نیز موجب جلب انوار الهی و مایه افتخار خداوندی است.<sup>۱۲۳/۲</sup>

در حدود ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح و چنانکه گفته‌اند

آغاز و انجام هزار سال پیش از مهاجرت موسی، ابراهیم در شهر «اور»

واقع در سومر بکمک خرد و اندیشه خود پی برد که جهانرا

آفریدگار و خدائی است.<sup>۱۲۴</sup> چون محیط آماده نبود از آنجا باقبیله خود به فلسطین

مهاجرت کرد.<sup>۱۲۵</sup> ابراهیم در متون عبری هم نبی خوانده شده است.<sup>۱۲۶</sup> میان

۱۲۰- دکتر اسرائیل ولفنسون: موسی بن میمون و احواله: ص ۹۲-۹۴.

۱۲۱- تلمود: میشنا سوطا، ۴۹، ۱۵. ۱۲۲- تلمود: ندریم ۱۳۸ الف-شبات، ۱۹۲ الف.

۱۲۳/۱- میشنا آوت، ۱:۴- رساله هشت فصل هارامبام (ابن میمون).

۱۲۳/۲- تلمود: بخوروت: ۴۵ ب، شبات: ۱۹۲ الف.

۱۲۴- ا. کهن: تلمود ص ۴۳ بنقل از میدراش هگادل.

۱۲۵- سفر پیدایش ۱۱: ۳۱. ۱۲۶- سفر پیدایش ۲۰: ۷.

او خدا گفتگوهائی است و خدا از ابراهیم مخفی نمیدارد زیرا او را میشناسد و قابل میداند.<sup>۱۲۷</sup> بدین ترتیب نبوت در اسرائیل با ابراهیم آغاز شد و یا بهتر بگوئیم در میان یهودیان اولین پیشوای مکتب یکتاپرستی و سرخیل پیامبران و دعوت کنندگان به یگانگی خداوند ابراهیم بود و او بود که سلطه خداوند را بر زمین هم اعلام داشت .

در زمان نوه او یعقوب بنی اسرائیل مهاجرت بمصر را شروع کرده و سالها بعد بزعامت موسی دوباره بسرزمین فلسطین بازگشتند. موسی بزرگترین انبیاء و پیشوایان این قوم است. اگر سایر پیغمبران نورجلال الهی را از ورای ۹ جام شیشه میدیدند موسی از ورای یکجام میدید<sup>۱۲۸</sup>. هر پیغمبری که بعداً نبوت کرد نبوتش نمونه‌ای از نبوت موسی بود<sup>۱۲۹</sup>. و باین ترتیب موسی آنچه گفتنی بوده گفته و ترتیب همه کار را بدرستی داده است .

پس از موسی قوم اسرائیل با کنعانیان رابطه بیشتری یافته و کم و بیش تحت تأثیر عادات و رسوم قبایل مجاور قرار گرفتند . پرستش بعل، خدای کنعانیان، خطر محوشدن دین یهود را پیش آورد. اینجابود که انبیاء در آغاز تک تک و مخصوصاً پس از انقسام مملکت سلیمان گروه گروه ظهور کردند و مبارزه شدید ضد کنعانی خود را آغاز کردند و دوباره پرستش بیهوه رواج کامل یافت .

چنانکه بعد بتفصیل بیشتری اشاره خواهیم کرد در این اعتقادات تلمودی چنین نیست که نبوت عطیه‌ای باشد همیشگی و غیر قابل فسخ. یعنی نبی تا آخر عمر بتواند نبوت کند. چه بسا که اراده خداوندی تعلق گرفت و نبوت نبی درست از کار در نیامد و یا نبی خود دچار انحراف گردید. هرگونه انحرافی از کمال اخلاقی موجب خواهد شد که این عطیه برای همیشه و یا بطور موقت پس خوانده شود . مثلاً «اگر پیغمبری تکبر ورزد نبوت از وی دور میشود و اگر خشمگین گردد

۱۲۷- سفر پیدایش ۱۵-۱۸ و ۱۷: ۱۹ .

۱۲۸- تلمود: وبقرا با ۱: ۱۴ .

۱۲۹- تلمود: شموت ربا، ۴۲: ۸ یا ۷ .

نبوت اورا ترك خواهد كرد» ۱۳۰ .

بالاخره ، پس از فوت حجی، زكريا و ملاکی که آخرین پیامبران یهود بودند و یا با ویران شدن معبد بیت همیقداش یهودیان از داشتن نبی و پیامبر محروم شده اند ۱۳۱ و یا چنانکه در مکابیان پیش بینی شده است پس از پنج قرن دیگر نبی نخواهد بود ۱۳۲ در این دوره حکیمان جای پیامبران خواهند بود و از جانب خداوند حکمتشانرا دریافت خواهند داشت ۱۳۳ و یا از روزی که معبد بیت همیقداش ویران گشت نبوت از پیغمبران گرفته شد و بدیوانگان و کودکان اعطاء گردید ۱۳۴ .

چون دوران فرخنده مسیح برسد جز اسفار خسته موسی که هرگز منسوخ نخواهد شد ۱۳۵ کتابهای پیغمبران و کتوبیم مورد استفاده قرار نخواهد گرفت و هر که بار دیگر نبوت کند پدر و مادرش اورا عرضه تیغ خواهند ساخت ۱۳۶ ولی جای دیگر گفته شده است که روح والهام خدائی بر همه بشر خواهد ریخت . پسران و دختران نبوت خواهند کرد. پیران خوابها خواهند دید و جوانان رؤیاها مشاهده خواهند نمود ۱۳۷ .

در پاره‌ای از روایات اسلامی گفته شده است که یکصد و

تعداد انبیاء بیست و چهار هزار نفر پیغمبر تاکنون آمده اند ۱۳۸ و حتی

رقم يك میلیون و دویست و بیست و پنجاه هزار نفر را هم از نسل

۱۳۰- تلمود: پساحیم، ۶۶ ب .

۱۳۱- کهن، تلمود: ۹۰ و ۱۷۴: توسیفتا سوطا، ۲: ۱۳ و سنهدرین، ۱۱ الف .

۱۳۲- ۱ مکابیان ۴: ۶۶ و ۱۴: ۴۱ . Sagesse 7 : 27, Siracide 24 : 33. ۱۳۳-

۱۳۴- کهن تلمود: ۱۷۴- با و ابتر، ۱۲ ب . ۱۳۵- تلمود: ۱۷۵- یروشلمی مکیلا، ۲۲ دال.

۱۳۶- زکریا ۱۳: ۳ .

۱۳۷- یوئیل ۲: ۲۸ بمیدبار ربا ۱۵: ۱۹ یا ۲۵ . ۱۳۸- ابن عبدربه : عقدالفرید جلد ۶- بحار

الانوار مجلسی - اصول الدین عبدالقاهر تمیمی : ۱۵۷ - سفینة البحار ۲: ۵۶۵ .

یعقوب بازگفته‌اند<sup>۱۳۹</sup> این ارقام از خود روایات اسرائیلی سرچشمه میگیرد. در بعضی روایات اسرائیلی تعداد پیامبران را دو برابر عده بنی اسرائیلی که از مصر خارج شده‌اند<sup>۱۴۰</sup> ذکر کرده‌اند یعنی یک میلیون و دویست هزار نفر<sup>۱۴۱</sup>. در اینکه تعدادشان زیاد بوده جای سخنی نیست. نمونه‌ای از فراوانی این عده را در زمان اریا میتوان دید که یک تنه نبوت را آغاز کرد و بعد در زمان او تعداد انبیا در یکجا یکصد نفر<sup>۱۴۲</sup> و پسران انبیا پنجاه نفر<sup>۱۴۳</sup> ذکر میشود و یا پس از سلیمان در برابر میگاه نبی چهارصد نفر از انبیا قرار میگیرند<sup>۱۴۴</sup>.

شاید ارقام اولیه گراف بنظر برسد ولی بطور کلی ظهور عده زیادی از انبیا پس از تقسیم سرزمین سلیمان، عکس العمل طبیعی نظام طبقاتی جامعه یهود بود. عده‌ای به تنعم و ثروت سرشار رسیده بودند و در برابر اکثریت از هستی ساقط شده بود. همچنین میتوان گفت واکنش اشتغال کاهنان بجمع مال و زر و زیور و تقلید از دیگران و پیروی از تفنن و دوری از روح دینی حقیقی بود. در این دوره بقول ولز<sup>۱۴۵</sup> انبیا از طبقات مختلف بودند. مثلاً حزقیال از کاهنان و عاموس از شبانان بود و هر دو بنظام دینی موجود سخت حمله میکردند. گفتار عاموس در مبارزه با کاهنان و ثروتمندان بس معروف است:

.... چون مسکینان را پایمال کردید و هدایای گندم از ایشان گرفتید، خانه‌ها را از سنگهای تراشیده بنا خواهید نمود، اما در آنها ساکن نخواهید شد. تاکستانهای دلپسند غرس خواهید نمود ولیکن شراب آنها را نخواهید نوشید. زیرا تقصیرهای شما را میدانم و گناهان شما را که عظیم میباشد.

۱۳۹- سورا بادی: قصص قرآن مجید: ۱۳۶.

۱۴۰- سفر خروج ۱۲: ۳۸ رقم ششصد هزار را بدست میدهد.

۱۴۱- کهن: تلمود: ۱۷۴- مکیلا: ۱۴ الف. ۱۴۲- اول پادشاهان ۱: ۱۸ بعد.

۱۴۳- دوم پادشاهان ۲: ۷. ۱۴۴- اول پادشاهان ۲۲: ۶.

۱۴۵- Wells: The Outline of history p. 294.

زیرا عادلانرا بتنگ میآورد و رشوه میگیرید و فقیرانرا در محکمه از حق ایشان منحرف میسازید... ۱۴۶.

اما طبق روایات قاطع‌تر، در میان یهود از ابراهیم بعد ۴۸ نبی و ۷ نفر نبیه بازگفته‌اند. از این ۴۸ نفر، شانزده نفر نویسندگان کتب بوده‌اند: یونس، یوئیل، عاموس، هوشع، اشعیاء، میکاه، ناحوم، صغفیا، ارمیاء، حبقوق، دانیال، عوبدیا، حزقیال، حجی، زکریا، ملاکی.

ایلیاد والیشع کتاب مخصوصی ندارند. خطابه‌ها و گفتارهایشان در ضمن کتب پادشاهان و تواریخ ضبط شده‌است راجع به نبیه‌ها (پیامبران زن) نیز بعد سخن خواهیم گفت.

همه این پیغمبران یک روش و یک درجه نداشته‌اند. موسی درجات انبیاء بزرگتر از همه بود. بعضی صاحب کتابند ولی بعضی نبوتشان باندازه یک کتاب نبوده مانند بئری که نبوتش ضمیمه کتاب اشعیاء شد<sup>۱۴۷</sup> روح القدسی هم که برایشان حلول میکرد اندازه و کمیت معینی داشت. در دوره اشعیاء بعضی معتقدند هوشع از همه بزرگتر است و برخی این افتخار را برای اشعیاء ثبت کرده‌اند که نبوت او مستقیماً از ذات قدوس متبارک بوی رسیده‌است<sup>۱۴۸</sup>. بعضی از ایشان تنها بقرائت کتاب و خبر دادن از گذشته و آینده اکتفا میجستند. هدیه‌ای می‌پذیرفتند و سخنی میگفتند. اما برخی در هدایت و مخصوصاً انداز مردم سخت کوشا و پرتوان بودند. از وحی تند و سرکشی سخن میگفتند که چون تازیانه بر پیکر و اعصاب شنوندگان اثر میگذارد. بعضی هم سخت مورد تمسخر قرار می‌گرفتند<sup>۱۴۹</sup>. این‌را هم اضافه کنیم که وحی انبیاء نسبت بهم فرق داشت اشاره کردیم روح القدسی که بر پیامبران نازل میشد اندازه و کمیت

۱۴۶- عاموس ۵: ۱۱-۱۳ .

۱۴۷- اشعیاء ۸: ۱۹ و ۲۰. تلمود: ۱۷۴ بنقل از و یقاربا ۲: ۱۵ .

۱۴۸- کهن: تلمود ۱۷۴: و یقاربا ۲: ۱۰ . ۱۴۹- سلیمان مظهر: قصة العقاید: ۲۲۱ .

مختلفی داشت. سخن گفتنِ خداوند با انبیاء نیز نسبت بدرجاتِ ایشان فرق میکرد. خداوند باموسی روبرو و آشکارا سخن میگوید و موسی شبیه خدارا معاینه می‌بیند اما به میریام و هرون، خواهر و برادر موسی، که آنان نیز نبی بودند در رؤیا ظاهر میشود و در خواب با آنها سخن میگوید<sup>۱۵۰</sup>.

لزوم اطاعت از انبیاء در تورات و تلمود بارها آمده است .  
**حکم انبیاء** خداوند نبی را از میان مردم مبعوث میگرداند و هر آنچه امر فرماید بایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان او را نشنود خداوند از او مطالبه خواهد کرد<sup>۱۵۱</sup>. نبی هر حکمی که دریافت کرد مکلف با بلاغ است. حتی میتواند از احکام تورات بگذرد و آنهارا نقض کند. جز در مورد بت پرستی<sup>۱۵۲</sup> و هر که سخن نبی نشنود یهوه خشم گیرد<sup>۱۵۳</sup> و خشم یهوه سخت و توان فرساست<sup>۱۵۴</sup>. یهود که سرکشی میکنند و انبیای خدا را بکشتن میدهند، از طرف خدا بدست دشمنان تسلیم میشود تا بتنگ آید<sup>۱۵۵</sup>. آنها که اطاعت نکردند برای سالها با ایشان مدارا میشود و اگر بالاخره پیام الهی را بگوش نرفتند و بهوش نیامدند، بدست اقوام دیگر تسلیم میشوند<sup>۱۵۶</sup>. حکم انبیاء جز در مورد پرستش خدایان بیگانه و یا بت پرستی باید اجراء شود. ولی در این مورد اگر نبی معجزه‌ای هم بکند و مردم را پرستش خدای بیگانه‌ای بخواند نباید گوش کرد که هم آن نبی و هم پرستندگان خدای غیر مجازات میشوند<sup>۱۵۷</sup>. میدانیم که پیامبرانی چون موسی و دیگران برای هدایت مردم گاهی آیات و معجزاتی داشتند<sup>۱۵۸</sup> همچنانکه جادوگران و فریبکاران

- ۱۵۰- سفر اعداد ۱۲: ۸ و ۶ .  
 ۱۵۱- سفر تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۹ .  
 ۱۵۲- کهن: تلمود ۱۴۶: سنهدرین: ۹۰ الف .  
 ۱۵۳- زکریا ۷: ۱۲ .  
 ۱۵۴- ارمیا ۲۳: ۲۰، ۱۹، ۱۰ .  
 ۱۵۵- نمیا ۹: ۲۷ .  
 ۱۵۶- نمیا ۹: ۲۹ و ۳۰ .  
 ۱۵۷- سفر تثنیه ۱۲: ۱-۷، ۱۸: ۲۰ .  
 ۱۵۸- سفر خروج: باب ۴، اشعیا ۷: ۷-۱۱، ۱۴، ۳۸، ۴۷، ۸ .



را نیز افسون‌هایی بوده که همسان رسولان برای خود آیات و معجزات می‌پنداشتند<sup>۱۵۹</sup> برای رهایی از این فریب و نیرنگ بود که تصریح شد در مورد پرستش خدای غیر، بهیچ سخنی نباید گوش داد.

آنجا که در کتب مقدس بدان‌شمندان اشاره میشود بیشتر  
**دانشمندان** منظور دانشمندان علوم دینی هستند که مورد احترام و ستایش می‌باشند دانشمندان یهود را «ربانیم» می‌گفتند که مفردش ربانی میشود و بمعنی عالم و فقیه و مدرس و پیر در دین یهود است (اغاب مراد؛ دانشمندان دوره میهن‌ناست) یک‌درجه پائین‌تر را «ربی» و کمتر از آنرا «راو» می‌گفتند. روزی که تابوت عهد را آوردند و در خیمه گذاشتند داود سرودی در تسبیح خداوند سرانید که در آن هست: «و انبیای مرا ضرر نرسانید»<sup>۱۶۰</sup> ربانان یهود در تفسیر آن گفته‌اند که منظور از «انبیای من» در اینجا «دانشمندان» می‌باشند. چنین تفسیری خود حاکی از توجه خاصی است که باین دسته میشد و آنانرا هم‌ردیف انبیاء قرار میداد. از همان روزهای اول دانشمندان در این قوم پایگاه و منزلتی والا همسان پیامبران داشتند. ولی در بسیاری موارد هم انبیاء بنی‌اسرائیل در برابر و نقطه مقابل فالگیران، پیشگویان و حکیمان مصری قرار می‌گیرند و سرانجام پیروز میشوند<sup>۱۶۱</sup>.

درباره رابطه انبیاء بنی‌اسرائیل و پادشاهان یهود، چنانکه  
**پیامبران** میدانیم در اعتقاد یهودیان رئیس حقیقی حکومت خداوند  
**و پادشاهان** است. چنانکه گفت: «خداوند داور ماست، خداوند شریعت-  
 دهنده ماست»<sup>۱۶۲</sup> چنین است که وقتی خواستند برای خود

۱۵۹- سفر تثنیه ۸: ۲۲ و ۱۳: ۲۴ سفر خروج ۷: ۱۱، ۲۲. ۱۶۰- اول تواریخ ایام ۱۶: ۲۲

۱۶۱- سفر پیدایش ۸: ۴۱ و اشعیا ۹: ۱۱، ۴: ۱۱ و دانیال ۱: ۲۰ و ۲: ۲.

۱۶۲- اشعیا ۳۳: ۲۲.

پادشاهی تعیین کنند خدای را خوش نیامد<sup>۱۶۳</sup>. ولی بالاخره پادشاهان توسط پیامبران از طرف خداوند برگزیده شده و قوانین و مقررات جنبه الهی داشته و بوسیله انبیاء بمردم ابلاغ میگردد. تاج سلطنت را خداوند اعطاء می نمود<sup>۱۶۴</sup> و هرگاه پادشاهان در کار سلطنت میماندند از خداوند مسألت میکردند و او توسط خادمان مقدس خود ایشانرا راهنمایی میکرد<sup>۱۶۵</sup>. بدین جهت این خادمان مقدس بواسطه راهنماییها و تعلیماتی که میدادند تأثیر زیادی در تاریخ یهود دارند<sup>۱۶۶</sup> و پادشاهان چون مسح کرده خداوند بودند مقدس محسوب میشدند<sup>۱۶۷</sup>.

کلمه پادشاه از لحاظ مفهوم عظمت و جنبه بزرگی بخداوند نیز اطلاق گردیده است. گرچه در بیشتر موارد منظور فرمانروایان مستقل و بزرگدست ولی چنین نیست که همیشه این کلمه در کتب مقدس حاکی از مفهوم سلطنت و اقتدار و یا وسعت مملکت باشد. چون از بسیاری از حکومتهای پراکنده کوچک نیز بنام سلطنت یاد شده است و یا موسی پادشاه اسرائیل خوانده شده است<sup>۱۶۸</sup>. در دوران مصر مشایخ و حاکمانی که خداوند مقرر فرموده بود چون موسی و یوشع و بعد از آن قضاتی چون عنثیل و ایهود و جدعون و شمویل امور را اداره میکردند. پس از بازگشت از مصر و مواجهه با قبایل مختلف و درگیری با ایشان آرزوی تشکیل حکومت واحد و داشتن فرمانروای واحد و در ذهن یهود نشسته بود. برآوردن این آرزو در شریعت یهود با جنبه الهی و قدوسیت و پرهیزگاری و اهتمام بخدمت دین وعده داده شده بود:

« چون بزمنی که یهوه خدایت بتو میدهد داخل شوی و در آن تصرف نموده ساکن شوی و بگوئی مثل جمیع امتهایی که باطراف منند پادشاهی بر خود نصب نمایم. البته پادشاهی را که یهوه

۱۶۳- اول سموئیل ۷:۸ و ۱۲:۱۲-۱۵ . ۱۶۴- مزامیر داود ۲۱: ۲ .

۱۶۵- اول سموئیل ۷:۳۰ و دوم پادشاهان ۱۱:۳-۲۰ .

۱۶۶- اول پادشاهان ۲۰:۲۲ و ۲۸ و ۲ پادشاهان ۱۵:۱ .

۱۶۷- دوم سموئیل ۱:۱۴، مراثی ارمیا ۲:۰۴ . ۱۶۸- سفر تثنیه ۱۷:۱۴-۲۰ .

خدایت برتزیند بر خود نصب نما، یکی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز و مرد بیگانه‌ای را که از برادرانت نباشد نمیتوانی بر خود مسلط نمائی . لیکن او بر خود اسبهای بسیار نگیرد و قوم را بمهر پس نفرستد... و برای خود زنان بسیار نگیرد مبدا دلش منحرف شود و نقره و طلا برای خود بسیار زیاد نیندوزد. و چون بر تخت مملکت خود بنشیند نسخه این شریعترا از آنچه از آن نزد لایوان کهنه‌است برای خود در طوماری بنویسد...» ۱۶۸ .

ولی این آرزو خیالی زود تحقق نیافت. مهاجمان و جنگاوران یهودی نتوانستند بزودی متحد شده و سلطنت واحدی را برقرار کنند. هر سبط و قبیله‌ای سعی داشت استقلال خود را تاجائیکه مقدور است حفظ کند. سررشته کارها بیشتر و مخصوصاً حل و فصل دعاوی، چنانکه موسی براهنمائی شعیب مقرر داشته بود<sup>۱۶۹</sup> بدست داوران (رؤسای هزاره، صده، پنجاهه و دهه) بود. ولی حاکم و یا پادشاه، داور بزرگ شمرده میشد و در موارد لازم با کاهن اعظم نیز مشورت میکرد<sup>۱۷۰</sup> داوران، قضات رسمی نبودند، بلکه بیشتر از میان رؤسای عشایر یا سرداران جنگی برمیخاستند و حتی اگر کاهن هم بودند باز همینطور بود<sup>۱۷۱</sup> اینان حکام صاحب اختیار و مقتدری بودند که از فوت یوشع جانشین موسی تا ایام سموئیل نبی تسلط مطلق بر امور داشتند<sup>۱۷۲</sup>. ولی گاهی این تسلط بعفت فقدان نیروی لازم مقهور تجاوز بیگانگان میشد. بهر صورت پادشاهی در میان نبود بلکه هر کس آنچه را حق و درست میدانست انجام میداد<sup>۱۷۳</sup> ولی خطر روز بروز بیشتر احساس میشد. بومیان محلی، همسایگان شرقی، فلسطینی‌ها، دشمنان سرسخت و پیکار-جوئی بودند که هیچگاه آرام نمیگرفتند. اتحاد با عابیه‌روها که قرابت خونی و نژادی

۱۶۹- سفر خروج ۱۸: ۱۲-۲۶ .

۱۷۰- سفر اعداد ۲۷: ۲۱ و اول سموئیل ۱۱: ۲۲-۱۵ مقابل ۲۳: ۶ .

۱۷۱- ویلدورانت: تاریخ تمدن ۱: ۵۲۱ . Maspero : The struggle of the nations :

Egypt, Syria and Chaldea. London 1897. p. 646 .

۱۷۳- داوران ۱۲: ۶ .

۱۷۲- سفر اعداد ۱۳: ۲۰ .

هم داشتند تا اندازه‌ای برای تسلط بر کنعانیان، به عبریها کمک کرد ولی باز کافی نبود. ضرورت‌های شدید جنگ و خطر تسلط فلسطینی‌ها، عبری‌ها را سخت نگران کرده بود. بفکر افتادند که برای خود پادشاهی برگزینند و چنانکه دیدیم از پیش وعده‌ای هم در این باره داشتند.

در این هنگام سموئیل نبی پیرشده و پسران خود را بر اسرائیل داور ساخته بود. ولی پسرانش براه او رفتار نمی‌کردند. بلکه در پی سود رفته و رشوه گرفته و داوری را منحرف ساخته بودند. مشایخ اسرائیل نگران از وضع به «رامه» نزد سموئیل آمدند و از او خواستند که برای ایشان مثل سایر امتهای پادشاهی نصب نماید که بر ایشان حکومت کند. این تمنی بر سموئیل دشوار و ناپسند آمد و آنرا مفایر با حکومت الهی میدانست و نزد خدا دعا کرد. اما خداوند اجازه داد.

«وسموئیل تمامی سخنان خداوند را بقوم که از او پادشاه خواسته بودند بیان کرد. و گفت رسم پادشاهی که بر شما حکم خواهد کرد اینست که پسران شما را گرفته و ایشان را بر عرابه‌ها و سواران خود خواهد گذاشت... و دختران شما را برای عطرکشی و طبخ‌و خبازی خواهد گرفت... اما قوم از شنیدن قول سموئیل ابا نمودند و گفتند بر ما پادشاهی باشد تا ما نیز مثل سایر امتهای باشیم و پادشاه ما بر ما داوری کند و بیش روی ما بیرون رفته و در جنگهای ما برای ما بجنگد. و سموئیل تمامی سخنان قوم را شنیده و آنرا بسمع خداوند رسانید و خداوند بسموئیل گفت آواز ایشان را بشنو و پادشاهی بر ایشان نصب نما. پس سموئیل بمردمان اسرائیل گفت: شما هر کس بشهر خود بروید ۱۷۴.

مشایخ باز گشتند. سموئیل رسوم سلطنت را در کتاب نوشت و آنرا بحضور خداوند گذاشت ۱۷۵.

در آن زمان جوانی بود خوش اندام تر و بلندتر از همه بنی اسرائیل بنام شانول. او روزی در جستجوی اغهای گمشده پدرش به نزد سموئیل رسید و چون سموئیل از جانب خداوند آمدن او را میدانست مقدمش را گرمی داشت. احترامش کرد و

پذیرائی نمود. پس از آمادگی در روز دوم او را بنام خداوند به سلطنت بنی اسرائیل مسح کرد تا بر میراث خداوند حاکم گردد و از حوادث آینده با خبرش ساخت . بشارت داد که روح خداوند بر او مستولی شده و متبدل خواهد شد و بالاخره به نبوت میرسد<sup>۱۷۶</sup> ولی وقتی به نبوت رسید مردم را خوش نیامد. شائول نخستین پادشاه بنی اسرائیل شد. از درآمد مزرعه خود زندگی ساده‌ای داشت . شجاعانه می‌جنگید . با کنعانیان متحد شده و مهاجمان را از سواحل خاگ خود بیرون کردند. سموئیل یکبار دیگر هم سلطنت شائول را تأیید و از نو برقرار کرد<sup>۱۷۷</sup> . لیکن دیری نپایید که نخوت و غرور او را گرفت. دیگر خدا او را نه به خواب جواب میداد ، نه به اوریم<sup>۱۷۸</sup> و نه بانیا<sup>۱۷۹</sup> . و در این هنگام سموئیل وفات یافته بود. بزنی که تسخیر ارواح میکرد ملتجی شد تا روح سموئیل را احضار نماید . سموئیل خطاهای او را شمرد و اندارش داد<sup>۱۸۰</sup> . سرانجام شائول بدست فلسطینی‌ها از بین رفت و «مسیح خداوند» نامیده شد<sup>۱۸۱</sup> . پس از او سلطنت دباود رسید . از پیش، سموئیل دباود را برای این منصب مسح کرده بود<sup>۱۸۲</sup> . او مهاجمان را راند و صندوق عهد محتوی الواح تورات را برگرداند . اورشلیم را پایتخت خود قرارداد و براهنمائی ناتان نبی ب فکر ساختن معبد بزرگی افتاد<sup>۱۸۳</sup> که سلیمان آنرا پایان رسانید. وقتی هم مورد ملامت ناتان نبی قرار گرفت بخواری آنرا تحمل کرد<sup>۱۸۴</sup> . در اواخر عمر دباود، «ادونیا» فرزندش نامزد جانشینی او بود ولی ناتان نبی سلیمان را که پیش از تولد بجانشینی دباود بشارت یافته بود<sup>۱۸۵</sup> بسطنت مسح کرد و بر تخت

- ۱۷۶- ایضاً ۱۰ : ۱-۱۶ و ۱۹ : ۲۰ بعد .  
 ۱۷۷- ایضاً ۱۱ : ۱۴ و ۱۲ : ۱۵ .  
 ۱۷۸- اوریم: لباس کاهنان و ظاهراً نشانه ایشان - سفر خروج ۳۰ : ۲۸ سفر اعداد ۲۷ : ۲۱ .  
 ۱۷۹- اول سموئیل ۶ : ۲۸ .  
 ۱۸۰- ایضاً باب ۲۸-۳۰ .  
 ۱۸۱- دوم سموئیل ۱ : ۱۴ .  
 ۱۸۲- اول سموئیل ۱۶ : ۱-۱۳ .  
 ۱۸۳- ۲ سموئیل ۷ : ۲-۱۷ .  
 ۱۸۴- ایضاً ۱۲ : ۱-۱۵ .  
 ۱۸۵- کتاب اول تواریخ ایام ۲۲ : ۹ و ۱۰ .

نشاند ۱۸۶.

پس از ناتان، نبی دیگری بنام «آخیای شیلونی» در هنگام بنای معبد بنام خداوند با سلیمان گفتگو کرد ۱۸۷. او «یربعام» را از تقسیم مملکت بعد از سلیمان آگاه ساخته و مزده سلطنت باو داد ۱۸۸ و چون یربعام انحراف ورزید ویرانی و پریشانی خانمانش را پیشگوئی کرد ۱۸۹.

بعد از او «ایلیای نبی» در سلطنت نشین شمالی کنعان و زمان پادشاهی «ملک احاب» قیام کرد زیرا وی تا کستان مرد آزاده‌ای را غصب کرده و انبیای دروغین را در کاخ خود خانه داده بود و «ایزابیل Jesebel» (زوجه احاب) میخواست بعل پرستی را رواج دهد. ایلیا با شجاعتی کم نظیر در برابر او ایستادگی کرد. داستان «مباهله» و آزمایش اقتدار یهوه با خدای بعل در کوه «کرمل» یکی از نمایشهای عجیب مذهبی است که حقانیت یهوه و بطلان بعل را ثابت میکند ۱۹۰. ایلیا «حزائیل» را پادشاهی «آرام» و «یهو» را پادشاهی اسرائیل مسح کرد ۱۹۱ و مرگ «آخزیا» جانشین «احاب» را نبوت نمود ۱۹۲. فرزند «آخزیا» بنام «یوآش» نیز توسط کاهن به سلطنت مسح میشود ۱۹۳ و «یهو»ی دیگری توسط فرستاده‌ی یسوع ۱۹۴.

در زمان «هوشع» پادشاهان متعددی سلطنت میکردند و او مرگ زکریا آخرین فرد سلسله «یهو» را نبوت کرد ۱۹۵ و گفته‌اند که حمله «شلمناصر» را پیشگوئی کرده بود ۱۹۶.

۱۸۶- کتاب اول پادشاهان ۱ : ۱۲ ، ۲۲ ، ۳۴-۵۳ .

۱۸۷- ایضاً ۶ : ۱۱ و ۱۱ : ۱۱ .

۱۸۸- ایضاً ۱۱ : ۱۱ .

۱۸۹- ایضاً ۱۴ : ۱۴ .

۱۹۰- ایضاً ۱۹ : ۱۵ و ۱۶ .

۱۹۱- ایضاً ۱۱ : ۱۲ .

۱۹۲- ایضاً ۹ : ۱ - ۶ .

۱۹۳- هوشع ۱ : ۴ و ۲ پادشاهان ۱۵ : ۱۲ .

۱۹۴- برحسب هوشع ۱۰ : ۱۴ و ۲ پادشاهان ۱۷ : ۱ ، ۳ ، ۱۸ و ۴ .

اشعیا، حدود ۷۴۰ قبل از میلاد چهل‌ساله نبوت کرد. او با چندین پادشاه معاصر و همیشه مشاور ایشان بود مخصوصاً در اواخر سلطنت «حزقیاء» همچون سیاستمداری دوربین و عمیق مورد مشورت قرار گرفت و چون اورشلیم در محاصره سردار جرار آشوری سناخریب درآمد پادشاه اندرز داد که تسلیم نشود<sup>۱۹۷</sup>. دست برداشتن ناگهانی سناخریب از محاصره، نشان داد که حق با او بوده است و بهمین جهت تامدتی مقام و منزلتی بسیار والا یافته بود.

«یوشیا» شهریاری متقی و خداترس بود و با کمک ارمیا بابت پرستی مبارزه میکرد<sup>۱۹۸</sup> ولی در سال ۶۰۹ قبل از میلاد وفات یافت و نوحه‌گری مفصلی را موجب شد<sup>۱۹۹</sup>. و از آن پس زندگی ارمیا موافق میلش نبود. «یهوایقیم» در سال چهارم سلطنت خود طومار او را ورق‌بورد و سوزانید و در پی نابودی خود<sup>۲۰۰</sup> در آن روزهای تلخ و تار تنها کاتبش «باروک» با وفاداری ماند و دوباره کتابش را تنظیم کرد. در آن زمان میان بابل و مصر بر سر تصرف پست و بلندیهای فلسطین رقابت بود. ارمیا مقاومت در برابر بابل را خطرناک میدانست. شهر در محاصره بود که او میگفت: باین رفتار مملکت را محکوم بفنا و زوال ساخته‌اند. شاه یهود خشمناک او را در سیاه‌چالی پر از گل‌ولای بزدان آفگند تا نزدیک بهلاکت رسید. و وقتی اورشلیم گشوده شد ارمیا آزادگشت (۵۸۶ ق.م.) بارها محکوم حوادثی سخت شد ولی هیچگاه از پای ننشست. او بارها و بارها ویران شدن اورشلیم و در بدر شدن اسرائیلیهارا پیشگوئی کرده بود. سرش را در گند کردند اما در همان حال بانگ بر میداشت که یهوه برای همه یهودیان یوغهای آهنی خواهد ساخت و نابکاریهای ایشانرا می‌شمارد. کمر قتلش را بستند اما خبر شد و از بند جست.

۱۹۷- اشعیا ۲۷ : ۶ و بابهای ۲۶ - ۲۹ بخوبی تسلط اشعیا را در اواخر سلطنت حزقیال

نشان میدهد . ۱۹۸- ۲ پادشاهان ۲۳ : ۱ - ۲۵ .

۱۹۹- دوم تواریخ ایام ۳۵ : ۲۰ - ۲۵ و ارمیا ۲۲ : ۱ و ۱۵ و ۱۶ .

۲۰۰- ارمیا : باب ۲۶ .

همزمان ارمیا، دوست او، «حزقیال» که در خانواده کاهنی دنیا آمد (۵۹۷ ق.م) و باسارت بابل برده شده بود مدت بیست و دو سال مانند کاهنان، همکیشان خود را در بابل رهبری میکرد. او مبادی فلسفی تازه‌ای برای پاسخ دادن بافکارِ آن‌زمان بنیان نهاد. او پایان دوره بدبختی و در بدری قوم اسرائیل را پیش‌بینی میکرد. سرانجام دوران اسارت بابل در ۵۳۸ قبل از میلاد بدست کورش کبیر پایان یافت و یکی از باشکوه‌ترین ساعات تاریخ بنی اسرائیل فرارسید<sup>۲۰۱</sup> فرمان کورش ایشان را صاحب احوال و حقوق خاصی شناخت و آنان به اورشلیم بازگشتند اما تجدید بنای معبد مشکلاتی در پیش داشت و غم سنگینی بر یهود نشسته بود. در این زمان «نحمیا» ساقی دربار «ارتخششتا» (اردشیر دراز دست) بود. روزی با سیمای محزون حضور شاه رسید و احوال ناگوار یهود را بازگو کرد. شاه از روی مهربانی خود آن جوان را مأمور فرمود که به اورشلیم برود و دیوارهای شهر را بسازد و جامعه یهود را سروسامانی بخشد. عزرا و نحمیا در طریق تجدید روحانیت جامعه یهود تلاش بسیار کردند. در سال ۴۴۴ ق.م. عزرا یهودیان را برای اجتماع بزرگی دعوت کرد و از صبحگاه تا نیمروز قسمتی از تورات را بر ایشان خواند و قوم میثاق و وثیق بستند که او امر و نواهی دینی را بدقت بجا آورند و از آن روز يك دولت دینی مذهبی دیگر در کشور یهود آغاز شد. اختیار بدست کهنه و روحانیان افتاد. میثاقی بر مبنای ایمان به یهوه و احکام او باهم منعقد کردند<sup>۲۰۲</sup>. که تا مدتی بر آن عهد و میثاق پایدار ماندند.

پس از مرگ اسکندر، یهود بیش از يك قرن جزء امپراطوری بطلمیوسیان بود. پیروزی آنتیوخوس سوم در جنگ با نیون سبب شد که فلسطین در ۲۰۰ ق.م. تحت استیلای سلوکیان درآید. عکس العمل یهود در این زمان متفاوت بود. معدودی آنرا دوست داشتند و اما اکثریت از آن بیزار بودند. عکس العمل خصومت-



آمیز یهودیان بیشتر ناشی از این احساس بود که آنان میان خود و یهوه قائل به رابطه خاصی بودند و نظام زندگی بظلمیوسیان قوانین موسوی را درهم ریخته بود. چنین است که نزد اشعیا رؤیای امیدبخشی می‌بینیم از جهانی نورانی، سرشار از خوردنیها و نوشیدنیها، مرگ برای همیشه نابود شده و از غم و اندوه اثری نیست. مؤمنان بامسرت بخدای خود رجوع میکنند و خداوند قوم بیگانه را پایمال میکند چنانکه گاه در آب مزبله پایمال میشود.<sup>۲۰۳</sup> فعالیت‌های اقتصادی حکومت بظلمیوسیان اثر بدی در اجتماع یهود بجای گذاشته بود.<sup>۲۰۴</sup> در این دوره سیل اعتراض علیه تغییراتی که بظلمیوسیان در وضع اجتماعی و عقاید دینی پدید آوردند بلند است. برای ساکنان شهرها، بردگان و اربابانشان، خریداران و فروشندگان، وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان که قوانین موسوی را زیر پا گذاشته‌اند آرزوی مرگ میشود.<sup>۲۰۵</sup> شهرهای فلسطینی بخاطر گناه و شرارت نکوهش میشوند و خلاصی مسکینان را از استعمار انتظار میکشند.<sup>۲۰۶</sup> اینها فریاد اعتراض ستمکشان و ستمدیدگان به ستمگران است.

در کتاب زکریای نبی نیز همینگونه اعتراضات بفرآوانی یافته میشود. چنانکه در پیشگویی اشاره شد در این کتاب شش پیشگویی متمایز و کاملتر از اشعیا می‌یابیم:

۱- ندای یهوه بلند است. از دمشق تاغزه از آن وی است. همچنانکه اورشلیم بدو تعلق دارد. اما صور «نقره را مثل غبار و طلا را مانند گل کوجه‌ها» انباشته است. اینها بتاراج خواهد رفت زیرا کافران بدین حقتقی رفتار نمیکنند. پس از ظهور شاه منجی تنها عده قلیلی زنده خواهند ماند.<sup>۲۰۷</sup>

۲- ندای یهوه پس از ملامت یونانیان پیروزی قوم خود را نوید میدهد اما

۲۰۴- ایضاً باب ۲۴ تا ۲۷ .

۲۰۳- اشعیا ۲۵ : ۶ - ۱۲ .

۲۰۶- ایضاً ۲۵ : ۱- ۵ .

۲۰۵- ایضاً ۲۴ : ۱- ۳ .

۲۰۷- زکریا ۹ : ۱- ۱۰ .

آمیخته باطعم خون . آنگاه طبیعت دگرگون خواهد شد و شادی برای همیشه برقرار خواهد ماند<sup>۲۰۸</sup> . و چون در این پیشگویی گفته شده که «گندم جوانان و عصیر انگور دوشیزگان را خرم خواهد ساخت ، گفته اند که نشانه کمبود غذا در یهودیه بوده و یونانیان مسبب آن شناخته شده اند .

۳- طقیان پرشوری علیه شاهان در پیش است ، آوای جنگ و ستیز می دهد . قدرت خدا سواران مفرور دشمن را درهم می شکند . شاهان یونان ناامید شده و برمی افتند<sup>۲۰۹</sup> . بیزاری و اکراه از بطلمیوسیان در این آوا موج میزند . بعقیده یهود بزرگترین وظیفه شاه حمایت و حفظ دین واقعی است بدین جهت مقدونیان محکوم میشوند . ارتداد دینی که مسبب آن فالگیران و خوابگزاران دروغی هستند و بر اثر فریب ایشان مردم یهود را انکار میکنند محکوم و مطرود میشود .

۴- فروش بردگان عبری و رفتارستمگرانه بایشان مورد حمله قرار میگیرد . بر اثر این ستمگریها و دیگر شرارتها دوسوم ساکنان فلسطین دچار حریق خواهند شد<sup>۲۱۰</sup> .

۵- مردی اورشلمی از آینده پرشکوه قوم اسرائیل سخن میگوید . وقتی قوای مقدونی توسط خدا بجنون مبتلا شود یهود نجات می یابد و بت پرستان و انبیای دروغی نابود خواهند شد<sup>۲۱۱</sup> .

۶- فردی از میان مردم درباره جلال و پیروزی آینده سخن میگوید اما با لحنی کینه توزتر ، امتهای طلاها و نقره ها و جامه های زیبایشانرا با اکراه برای استفاده قوم برگزیده خدا خواهند داد . دشمنان یهود طعمه طاعون ، تشنگی و خشکسالی خواهند شد . بطلمیوسیان اگر تسلیم پادشاه حقیقی ، یهوده خدای اورشلم ، نشوند به و با و مکافاتهای سخت گرفتار خواهند گردید<sup>۲۱۲</sup> .

۲۰۹- ایضا ۱۰ : ۱ تا ۱۱ : ۳ .

۲۰۸- زکریا ۹ : ۱۱-۱۷ .

۲۱۱- زکریا ۱۲ : ۱ تا ۱۳ : ۶ .

۲۱۰- ایضا ۱۱ : ۴-۷ و ۱۳ : ۹-۷ .

۲۱۲- ایضا ۱۴ : ۱ - ۲۱ .

اینها زائیده نفرتی است که بطلمیوسی‌ان در یهود بجا گذاشتند. زیرا سلطنت ایشان قراردادن یک‌شاه بیگانه در میان یهوه و قوم او بود و این امر بنوبه خود سبب رواج دین باطل در فلسطین گردید. بدینسان پیامبران رنج و مشقتی را که یهودیان بایستی برای رفاه و آسایش برزگران، مالکان و برده‌فروشان تحمل کنند محکوم می‌سازند. آیا سلطنت یونانی می‌توانست قائم مقام ارجمند حکومت الهی باشد؟ شاید هم ریشه این اندیشه‌ها توسط جامعه یهود بابل از پارس آمده باشد. ولی بهر صورت پیغمبر یهود یقین دارد که سلطنت یونانی نامبارک است. شاهان مقدونی شریر و اهریمنی هستند زیرا عدالت یهوه را اجرا نمیکنند و پرستش او را ترویج نمیدهند. در انقلاب عظیمی که تاریخ بشر در پیش دارد و تنها کسانی نجات خواهند یافت که بکیش یهود وفادار بمانند.

انبیای اسرائیل در این باره که خداوند سرانجام چگونه دشمنان را خواهد راند و از عهد خویش دفاع خواهد کرد بر یک‌رأی نبودند. آیا این کار بدست یک انسان صورت خواهد گرفت و یا بدون او؟... بعضی معتقد بمداخله مستقیم و بموقع خداوند بودند. این عقیده به سنت کهن‌تری چنگ می‌زند که بموجب آن یهوه خود شاه بود و بنماینده و خلیفه محتاج نبود. اما زکریا چشم انتظار شاهی است<sup>۲۱۴</sup> که «سلطنت او از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای زمین خواهد بود»<sup>۲۱۵</sup>. این اختلاف عقیدتی موجب کشمکش‌های کهنسالی در جامعه یهود بود. فشار حرارت جامعه یهود را هواخواه سلطنت انسانی میکرد که با سپاه و تشکیلاتش

۲۱۳- این قبیل داستانهای امید بخش و امید بظهور موعود منتظر بیشتر شبیه عقاید و اندیشه‌های مندرج در بهم‌ریخت است و بخصوص در طوبیت (یکی از اسفار غیرقانونی نوشته شده در ۲۰۰ ق. م.) بفروانی یافت میشود. گرچه زیرمان تاریخ کتاب طوبیت را قرن دوم و محیط تألیف آنرا جامعه یهود انطاکیه میداند. F. Zimmermann: The Book of Tobit (1958) 16-27

۲۱۴- زکریا ۹: ۱-۱۰.

۲۱۵- زکریا ۹: ۱۰ مطابق با مزمو ۷۲: ۸ که ظاهراً عبارتی بابلی است.

مدافع جامعه باشد .

بهرحال، در عقیده یهود شاه حقیقی یهوه است که منبع قانون و سرچشمه قدرت و خداوند طبیعت و دهنده عهد است. انسانی هم که از جانب او به شاهی برگزیده میشود تنها مجری عدالت الهی، فرمانده سپاه، تسلا دهنده بیچارگان و نومیدان و بی پناهان، پاسدار و فرمانبردار و حافظ پرشور عهد مقدس است . با وجود اینها شاه مهمترین شخصیت است و حسن رفتار او لازمه بقای مملکت است . اگر وی عهد مقدس را نادیده میگرفت و یا در پی پرستش خدایان بیگانه میرفت یهودیت بخطر می افتاد. برای جلوگیری از تمایلات نادرست او، انبیاء افعال پادشاه را بر معیار قانون برای او تفسیر میکردند و اراده یهوه را درباره اعمال او گوشزد می ساختند .